فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۴۰۲- صفحات ۳۳۵-۳۱۹

مقایسه تطبیقی روند توسعه در دولت های توسعه گرا و رانتیر (کره جنوبی و ایران)

نوع مقاله: پژوهشی

سعید حق پرست[۱]
توحید ولی پور عتیق[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۲

چکیده

راه‌های رسیدن به توسعه و رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مطلوب، امری مهم و حائز اهمیت تلقی می‌گردد. اکثریت صاحبنظران امر توسعه کشورها ضمن تاکید بر نقش و اهمیت دولت و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولتمردان در امر توسعه به دنبال پاسخ علمی و منطقی به این پرسش مهم هستند که علل و عوامل تفاوت در تجارب متفاوت توسعه بین کشورهای در حال توسعه، علیرغم داشتن برخی از شباهت‌ها همچون: استقلال عمل بالای دولت‌ها و منابع فراوان زیرساختی همراه با برخورداری از نخبگان دارای تخصص و ... شاهد نتایج متفاوت در کارنامه توسعه‌ای آنها می‌باشیم! تحقیق حاضر ضمن مقایسه دولت‌های ایران و کره جنوبی از دهه ۶۰ میلادی، به دنبال پاسخگویی به این پرسش مهم خواهد بود که علل و عوامل تجارب متفاوت توسعه در دولت‌های رانتیر و توسعه‌گرا کدامند؟ فرضیه پژوهش حاضر این می‌باشد که در دولت‌های توسعه گرا همچون کره جنوبی بوروکراسی کارآمد و متخصص و توانایی دولت در جلب مشارکت بخش خصوصی جامعه همراه با نظارت دقیق از ویژگی‌های ممتاز بشمار آمده که این موارد در دولت‌های رانتیر همچون ایران حلقه مفقوده بشمار می‌آیند. پژوهش حاضربه لحاظ روش توصیفی ـ تحلیلی می‌باشد. در نتیجه تغییرات بنیادی در مسیر رشد و پیشرفت برای هر جامعه‌ای باید ابتدا از یک استراتژی درست در امر توسعه همه جانبه همراه با بروکراسی کارآمد و مستقل و شایسته سالار نشأت گیرد.

کلمات کلیدی: دولت‌های رانتیر، دولت‌های توسعه‌گرا، توسعه پایدار، ایران، کره جنوبی

---

۱ دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی) (نویسنده مسئول)
haghparast.saeid55@gmail.com
۲ دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی) tohidvalipoor3@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

طبقه بندی JEL: F63,Q01

مقدمه

در سی سال آخر قرن بیستم بسیاری از کشورهای جهان در حال توسعه با رشد اقتصادی بسیارکندی مواجه بودند. در واقع نرخ رشد بسیاری از کشورها منفی بوده است. در بسیاری از این کشورها تعداد زیادی از مردم غرق در فقر مطلق بودند. تلخی موضوع در این بود که این فقر و نابرابری معمولاً به نحوی تراژیک سطوح بالای مرگ و میر کودکان، مادران در دوران بارداری و هم چنین سوء تغذیه کودکان را به همراه داشت.

در این حال برخی از جوامع در جهان سوم از دهه ۱۹۷۰ به نرخ‌های رشد چشم‌گیری دست یافته و آن‌ها را حفظ کردند و برخی از آن‌ها از این رشد برای ارتقای وضع زندگی بسیاری از مردم و رهایی آن‌ها از وضع فلاکت بار استفاده کردند. اگر چه تعداد این کشورها انگشت شمار است، اما دستاورد این کشورها به اندازه کافی برای توجیه توجه دقیق به آن‌ها مهم است. نه تنها به خاطر موفقیت آن‌ها در امر توسعه، بلکه به خاطر اینکه آن‌ها احتمالاً درس‌هایی برای سایر کشورها دارند.
برخی کشورها با دست‌یابی به سطح مناسب رشد قادر شدند برخی از شاخص‌های انسانی و اجتماعی مانند سطح امید به زندگی، میزان سواد و بهداشت کودکان را افزایش دهند. این واقعیت که کشورهای فوق‌الذکر با داشتن سیاست‌های متفاوت دموکراتیک و غیردموکراتیک به موفقیت‌های توسعه‌ای دست یافته‌اند اما کشورهای دیگر علیرغم داشتن منابع زیر زمینی عظیم و درآمدهای ناشی از آن نتوانسته‌اند به چنین رشدی دست یابند.

مدیریت و هماهنگی فرآیند توسعه امری پیچیده و مشکل می‌باشد. برای ایجاد هماهنگی میان ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیاز به یک مرکز هماهنگ کننده توانمند است تا بتواند هدایت، هماهنگی و ترغیب بخش‌های مختلف اقتصادی را برعهده بگیرد و در برخی موارد اقدام به دادن دستورالعمل‌های مشخص اقتصادی و سیاسی به این بخش‌ها بنماید و یا در زمینه‌هایی که بخش خصوصی توان و انگیزه فعالیت ندارد، خود وارد عمل گردد. تنها سازمانی که قادر است این وظیفه مهم را در سطح ملی برعهده گیرد دولت است. این دولت‌ها در صدد هدایت و مدیریت کامل اقتصاد نیستند بلکه به دنبال کنترل و نظارت بر هر نوع از تحرکات اقتصادی می‌باشند، دولت‌هایی که واجد این توانایی هستند« دولت‌های توسعه‌گرا» نامیده می‌شوند. بنابراین آنجا که در امر توسعه مهم می‌نمایاند، اهمیت سیاست‌های اتخاذ شده یک دولت است و توجه به ماهیت سیاست یک دولت در امر توسعه می‌باشد و پذیرش این امر که امروزه رسیدن به رشد و توسعه مناسب برای همه کشورهای جهان به‌عنوان یک امر مهم و ضروری تلقی گشته و همه دولت‌ها صرف‌نظر از نوع

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

حکومتشان به دنبال رسیدن به یک رشد و توسعه موفق و مناسب هستند و در این راستا نقش و اهمیت دولتمردان و سیاست‌های تخاذ شده آنها در مقاطع زمانی و مکانی مختلف نیز امری مسلم درنظر گرفته می‌شود.

قابلیت‌های بالاتر دولت‌های توسعه‌گرا در زمینه ایجاد بوروکراسی کارآمد و توانایی بالای آنها در جلب مشارکت بخشی از جامعه در روند توسعه، همراه با ایجاد امنیت برای جذب سرمایه‌های خارجی، از علل عمده کارنامه موفق‌تر این دولت‌ها در مقایسه با دولت‌های رانتیر در عرصه توسعه اقتصادی و اجتماعی و کم توجهی این دولت‌ها به همزمانی رشد توسعه فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آیند.

۱-تعریف مفاهیم

۱-۱-دولت توسعه‌گرا

این مفهوم (دولت توسعه‌گرا) برای اولین بار از سوی جالمرز جانسون در مورد کشور ژاپن به کار گرفته شد و پس از آن به کانون بحث‌های بعدی درباره نقش دولت در توسعه و صنعتی شدن تبدیل گشت. همچنین آدریان لنت ویچ این مفهوم را در آثار خود تشریح نموده است. بطور کلی دولت توسعه‌گرا یک شکل انتقالی دولت مدرن می‌باشد که در جوامع در حال توسعه جدید از قرن نوزدهم تاکنون پدیدار شده است. دولت مزبور دولتی است که نخبگان سیاسی و بروکراتیک آن عموماً استقلال نسبی از نیروهای اجتماعی، سیاسی بدست آورده‌اند و از این استقلال به‌منظور ایجاد یک برنامه رشد اقتصادی سریع همراه با سخت‌گیری و بی‌رحمی کم یا زیاد استفاده می‌کنند برای رسیدن به آینده‌ای مطلوب دولت توسعه‌گرا نوعاً ناشی از یک نیاز فوری به حرکت در مسیر رشد اقتصادی و صنعتی شدن، به‌منظور پیشرفت پایدار در سعادت مادی و اجتماعی شهروندانش است، لذا دولت‌های توسعه‌گرا در دوره مدرن عموماً همراه با میزان بالایی از گرایشات معطوف به ناسیونالیسم اقتصادی و سیاسی بوده‌اند و در چند دهه پایانی قرن ۲۰ قادر به دستیابی به رشد اقتصادی پایدار دست کم ۴ درصدی شده‌اند. این دولت‌ها موفق به ایجاد دستگاه‌های بوروکراتیک کارآمد، شایسته‌سالار و چابک شده‌اند تا بعنوان بازوی توانمند دولت در هدایت روند توسعه عمل کنند، در سیر مطالعات درمورد دولت‌های توسعه‌گرا، اگرچه در ابتدا بیشتر به رشد اقتصادی توجه می‌گردید اما با گذشت زمان معلوم شد که رشد اقتصادی به تنهایی معیار خوبی برای نشان دادن امر توسعه پایدار نمی‌باشد. از اوایل دهه ۱۹۶۰ عوامل جدیدی شروع به تضعیف و بسط مفهوم رایج توسعه کردند، ظهور کشورهایی مستقل، که تا آن هنگام مستعمره بودند و حضور رهبران آنها که به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

دنبال عدالت بودند، باعث گردید تا به ابعاد گسترده‌تر توسعه به‌خصوص آنچه اجتماعی در کنار توسعه فرهنگی و سیاسی توجه بیشتری گردد. مثلاً در بحث توسعه اجتماعی اساساً یک اصطلاح مشخص برای پیشرفت در حوزه‌هایی همچون آموزش، بهداشت، توزیع مناسب درآمد، برابری اجتماعی اقتصادی و برابری جنسی و رفاه روستایی است. به عبارت دیگر هدف توسعه «انسان» است. این تغییر در نگرش به توسعه به پیشرفت تا زمانی که در سال ۱۹۸۰ نهادهای مطالعاتی در سازمان ملل خاطرنشان کرد: توسعه اکنون به نحوی روزافزون فرایندی مردم محور و عادلانه که هدفش باید پیشرفت شرایط انسانی باشد، به‌نظر می‌رسد (لفت ویچ[۱]، ۱۳۸۵: ۷۱).

۱-۲-دولت و توسعه

در امر توسعه دولت‌ها، برخی‌ها معتقدند که سیاست و اقتصاد دو مقوله جدا و بی‌ارتباط هستند. اما واقعیت دنیای جدید عکس این دیدگاه را نمایان می‌سازد. روندهای جاری نشان از ارتباط تنگاتنگ بین سیاست و اقتصاد دارد. در بین اندیشمندان دیدگاه‌های متنوعی در رابطه بین این دو مقوله وجود دارد که می‌توان آنها را در سه گروه عمده دسته‌بندی کرد:

الف: گروه اول به تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی تأکید دارند مانند: مارتین و لیپست.

ب: گروه دوم به تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی باور دارند مانند: آمارتیاسن.

ج: گروه سوم به توسعه متوازن و هم زمان توسعه اقتصادی و سیاسی اعتقاد دارند مانند: ساموئل هانتینگتون (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۸۴).

هرچند هرکدام از این موارد بر مؤلفه‌های خاصی تأکید دارند. اما آنچه قابل ذکر است این است که: در کشورهای جهان سوم تحقق هرکدام از موارد بالا بدون وجود و دخالت دولت در امر اقتصاد محقق نخواهد شد. از این رو دولت نقش مؤثری در تحول ساختاری کشور دارد. در طول دوران ۳۰ سال اول پس از جنگ جهانی دوم، این موضوع که توسعه نیاز به برنامه‌ریزی و اجرا توسط دولت دارد به یک امر بدیهی در مطالعات آکادمیک و نگاه دست اندرکاران به توسعه تبدیل شده است که مشخص گردید تنها دولت‌های انگشت‌شماری از آمریکای لاتین، آسیا یا آفریقا توانسته‌اند در مدیریت فرآیند توسعه موفقیت‌هایی از خود نشان دهند و اکثر دولت‌های این مناطق در این امر ناموفق بوده‌اند. پس از آن بود که با تمرکز بیشتری روی مسائل سیاسی، دولت و حکومت به‌عنوان متغیرهای تأثیرگزار در توسعه شناخته شدند (لفت ویچ، ۱۳۸۴: ۲۴).

بنابراین باید گفت: مهم‌ترین و اصلی‌ترین متغیر که نقش تعیین کننده در شکل‌گیری مفهوم توسعه و شکست یا موفقیت طرح‌های توسعه دارد، سیاست جوامع مختلف می‌باشد. زیرا چنانچه

---

۱ Leftwich

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

بخواهیم درک درستی از دستاوردهای جوامع در حال توسعه به دست آوریم، باید برداشت درستی از سیاست‌های آنها، به‌ویژه چگونگی تمرکز سیاست‌ها در دولت‌ها و میزان نقش دولت در سیاست‌هایشان داشته باشیم. به‌طور خلاصه می‌توان گفت: سیاست نه‌تنها نقش مهمی در توسعه ایفا می‌کند، بلکه نقشی حیاتی در درک و ارتقاء توسعه دارد (لفت ویچ، ۱۳۸۴: ۲۰).

۱-۳- ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا

به‌طور کلی یک دولت توسعه‌ای واجد ویژگی‌های زیر است:

۱- دارا بودن نخبگان مهم برای تحقق اهداف توسعه‌ای

۲- استقلال نسبی دولت

۳- بوروکراسی کارآمد و قوی

۴- جامعه مدنی ضعیف

۵- توانمندی لازم برای مدیریت بخش خصوصی

۶- بهره‌گیری از ابزار سرکوب در مسیر توسعه همراه باتوجه به رفاه عمومی و حفظ مشروعیت قانونی (لفت ویچ، ۱۳۸۴: ۲۱۴).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که دولت‌های توسعه‌گرا یک شکل انتقالی دولت مدرن می‌باشند که در جوامع در حال توسعه از قرن نوزدهم پیدا شده‌اند و همچنین ناشی از یک نیاز فوری به ایجاد رشد اقتصادی و صنعتی شدن بوده‌اند.

همچنین این دولت‌ها ایستا نیستند و یک شکل انتقالی دولت مدرن هستند که بواسطه موفقیت‌هایشان در رشد اقتصادی باعث بوجود آمدن تغییراتی فزاینده هستند، لذا آنها یک دوره زندگی دارند که با تولد شروع، با تثبیت به پیش و با دگرگونی بنیادی یا دگردیسی به‌عنوان شکل دیگر از دولت ادامه می‌یابند (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۲۶۳).

۱-۴-دولت‌های رانتیر

مفهوم رانت: دیوید پیرس در «لغت‌نامه اقتصاد مدرن» رانت را اینگونه تعریف می‌کند: رانت پرداختی است در ازاء یک فاکتور، بیشتر از آنچه که برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن ضروری است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۵۲).

رانت به مثابه یک اصطلاح اقتصادی به درآمدهایی گفته می‌شود که بدون زحمت و تلاش یدی و فکری بدست می‌آید. به این دلیل اقتصاددان بین منابع درآمدی غیرتولیدی (منابع زیرزمینی و خدادادی) که منبع درآمد بسیاری از کشورهای جهان سوم را تشکیل می‌دهند با درآمدهای ناشی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

از تولید، صادرات و مالیات تمایز قائل هستند. به عبارت دیگر رانت به درآمدهایی گفته می‌شود که یک دولت از منابع خارجی یعنی از فروش منابع زیرزمینی و دریافت کمک از بیگانگان به دست می‌آورد. این درآمدهای تولیدی اقتصادی داخلی ارتباطی ندارند و در قبال فعالیت تولید اقتصادی داخلی پرداخت نمی‌شوند. نمونه بارز رانت در درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز و... است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۳۹).

البته تأکید بیشتر طراحان و طرفداران نظریه دولت را نیز معطوف به درآمدهای ناشی از فروش نفت کشورهای خاورمیانه است. یعنی محدود کردن درآمدهای رانت‌گونه، تنها به یک محصول، کتاب ببلاوی و لوسیانی تحت عنوان «دولت رانتیر» که در سال ۱۹۸۷ وارد بازار شد درواقع به مثابه کتاب مرجع به بررسی ساختاری دولت‌های رانتیر و تعریف مفهومی واژه‌ها و آثار مرتبط به آن پرداخته است. مهدوی یکی از صاحب‌نظران است که برای نخستین بار مفهوم دولت رانتیر را در ارتباط با ایران به کار برده است و می‌گوید: ویژگی متمایز کننده دولت رانتیر این است که درآمدهای نفتی آن ارتباط بسیار ناچیزی با فرآیندهای تولید در اقتصاد داخلی دارد. یعنی نیروی کار سرمایه با فناوری داخلی، نقش چندانی در درآمدهای نفتی ایفا نمی‌کنند. (میرترابی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

دولت رانتیر مهم‌ترین منبع تأمین امور مالی در نظام اقتصادی را در اختیار دارد و دو ویژگی اساسی دارد: یکی افق دید کوتاه مدت سیاست‌گزاران و دیگری سیاست‌گزاری شتاب‌زده و نسنجیده آنها (میرترابی، ۱۳۸۷: ۱۰).

دقیق‌ترین و کامل‌ترین تعریف دولت رانتیر در کتابی تحت همین عنوان که ذکر گردید توسط حازم ببلاوی ارائه شده است. براساس این تعریف دولت رانتیر دولتی است که مقادیر قابل توجهی از رانت‌های خارجی را به شکل منظم دریافت می‌کندوآستانه ۴۲٪ و بیشتر را برای درآمدهای دولت رانتیر درنظر گرفته است. یعنی: هر دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدهایش از رانت خارجی باشد، دولت رانتیر قلمداد می‌شود و آنها را واجد ویژگی‌های زیر می‌داند: ۱- رانت باید از خارج از کشور تأمین شود، به عبارت دیگر هیچگونه ارتباطی با فرآیندهای تولید در اقتصاد داخل کشور ندارد. ۲- در یک دولت رانتیر تنها درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت هستند و بنابراین اکثر افراد جامعه دریافت کننده و دولت توزیع کننده رانت است. ۳- دولت رانتیر دریافت کننده اصلی رانت خارجی است و در هزینه کردن آن نقش اساسی دارد. (میرترابی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

اگر این تعریف دولت رانتیر را با دولت‌های صادر کننده نفت تطبیق دهیم می‌توان گفت که درصورتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از درآمد بودجه عمومی چنین دولت‌هایی از نفت تأمین شود، آن‌ها هم واجد ویژگی‌های دولت را نیز خواهند بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۱-۵-رانتیریسم

در ادبیات مربوط به دولت رانتیر، این دولت معمولاً اینگونه معرفی شده است که دارای یک شیوه خاص سیاست و حکومت می‌باشند. این شیوه خاص سیاست و حکومت که آنرا رانتیریسم می‌نامند، دارای دو ویژگی بارز است: اول اینکه رانت توسط نخبگان حاکم کنترل می‌شود، دوم اینکه نخبگان حاکم از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌کنند؛ تا ثبات سیاسی خود را حفظ نمایند.

به‌طور کلی رانتیریسم سه تأثیر عمده بر ساخت دولت در بر دارد:

الف: افزایش استقلال دولت از جامعه، درواقع دولت رانتیر، در مسیر کسب رانت استقلال فنی و اقتصادی از جامعه دارد و همین امر سبب جدا شدن بدنه دولت از جامعه می‌شود.

ب: یکی از عمده‌ترین موانع توسعه سیاسی، تمرکز منابع قدرت در دست دولت می‌باشد. این منابع قدرت می‌تواند شامل قدرت اجبارآمیز (ارتش و پلیس) و غیر اجبارآمیز(همچون ثروت اقتصادی) باشد.

ج: ضعف توان استخراجی و باز توزیعی دولت؛ در نظام‌های سیاسی پیشرفته بخش اعظم منابع مالی لازم برای اداره کشور از طریق مالیات جمع‌آوری می‌شود. این میزان برای کشورهای پیشرفته امروزی ۹۰ درصد و برای دولت‌های رانتیر به کمتر از ۵۰ درصد می‌رسد که باعث بروز مشکلات عمده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد (میرترابی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

۲-دیکتاتوری و توسعه در کره جنوبی

کودتای نظامی ۱۶ مه ۱۹۶۱ که به دوران پرآشوب و پرتنش پس از استقلال کرده جنوبی پایان داد به‌منظور جلوگیری از سقوط کشور به دامن کره شمالی و ایجاد یک برنامه‌ریزی دقیق اقتصادی برای توسعه صورت گرفت. کودتاچیان بلافاصله برنامه ۶ماده‌ای خود را برای بازسازی کره جنوبی به شرح زیر اعلام کردند:

۱- مبارزه قاطعانه با کمونیسم و طرفداران کره شمالی
۲- احترام به منشور سازمان ملل و همکاری گسترده با آن
۳- نزدیکی بیشتر به ایالات متحده آمریکا
۴- مبارزه با فساد دولتی
۵- برنامه‌ریزی برای شکوفایی اقتصاد
۶- انجام انتخابات آزاد پس از پایان تنش‌های سیاسی و اجتماعی (امجد، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

این رهبران کودتا به زودی ثابت کردند که با کودتاچیان دیگر متفاوت هستند زیرا آنها تلاش نمودند یک برنامه منظم و دقیق برای توسعه طراحی کنند. ثبات سیاسی که محصول سیاست‌های سرکوب‌گرانه پارک بود به کره جنوبی اجازه داد که برنامه‌های توسعه اقتصادی را با موفقیت پیاده کند و توانست نشان دهد یک نظام اقتدارگرا می‌تواند پیشگام و طراح توسعه اقتصادی باشد آنچه باعث موفقیت گروه پارک چونگ هو شده این بود که برخلاف کودتاچیان کشورهای توسعه نیافته دیگر، آن‌ها از طریق در پیش گرفتن دقیق برنامه‌های توسعه اقتصادی کوشیدند کره جنوبی را از وضعیت وخیم اقتصادی آن زمان که با آن روبرو بودند بیرون بیاورند (امجد، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

در کره جنوبی توسعه اقتصادی در اولویت بود. ژنرال پارک که او را «معمار معجزه اقتصادی» کره جنوبی می‌دانند، از هوش بسیاری برخوردار بود، در سال ۱۹۶۳ از ارتش کناره‌گیری کرد تا در انتخابات شرکت کند و بتواند براساس نظریات و اهداف خود و با تکیه بر دموکراسی کره جنوبی را بازسازی کند. وی در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۷ نیز در انتخابات پیروز شد. پارک هرچند در کنار توسعه اقتصادی، لزوم توسعه سیاسی را حس می‌کرد و به همین‌منظور به تأسیس حزبی فراگیر و منضبط به دور از مباحث ایدئولوژیک پرداخت ولی هدف خود را تنها توسعه اقتصادی اعلام می‌کرد (امجد، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

۲-۱-اهداف و برنامه‌های توسعه کره جنوبی

۲-۱-۱-اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی نخستین قدم برای صنعتی شدن است. هدف اصلاحات ارضی، توزیع زمین در بین روستائیان به‌منظور در هم شکستن قدرت اربابان در روستا، افزایش محصولات کشاورزی، سرمایه-گزاری اضافه تولید در بخش صنعتی و آزادی دهقانان است. هیچ کشوری بدون اصلاحات ارضی نتوانسته برنامه صنعتی شدن را با موفقیت پیاده کند. در کره جنوبی این امر هم یک ضرورت سیاسی و هم یک نیاز اقتصادی بود. به علاوه اصلاحات ارضی نتیجه مستقیم استقلال آن کشور از ژاپن بود. شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم باعث شده بود که زمین داران ژاپنی به کشورشان فرار کنند و زمین‌های آنان بدون صاحب بماند. دولت کره جنوبی با فروش این زمین‌ها به دهقانان توانست خود را در مقام حفظ استقلال کشور تثبیت کند و سرمایه لازم برای توسعه صنعتی را نیز فراهم کند (سونو[۱]، ۱۳۷۰: ۵۰).

---

۱ Suno

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۲-۱-۲- توجه به نقش آموزش و پرورش در تربیت نیروی انسانی متخصص

در فرهنگ کنفوسیوس، توجه به تعلیم و تربیت و اقدام به بزرگترها از اهمیت والایی برخوردار است. در این باور هر قدر انسان بیشتر بیاموزد، در جامعه ارزش بیشتری دارد و هرچه قدر سن انسان و سابقه کار او بیشتر باشد، دانش او عمق و وسعت بیشتری پیدا می‌کند. باتوجه به نداشتن منابع زیرزمینی، کره جنوبی سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و پرورش نیروی انسانی را در صدر اولویت-های توسعه خود قرار داد و برای همین بهبود کیفیت آموزش و پرورش اساس کار برنامه‌ریزی دولت قرار گرفت. به گفته رابرت لونی پژوهشگر آمریکایی، توجه به آموزش و پرورش به‌عنوان ابزار توسعه از طریق افزایش کیفیت آن صورت گرفته و نه با تزریق وسیع سرمایه (امجد، ۱۳۸۴: ۱۱۸). برنامه توسعه کره جنوبی در درجه اول مبتنی‌بر تربیت نیروی کار ماهر و ارزان به‌عنوان اصلی‌ترین مزیت نسبی آن کشور بوده است. تعهد دولت در بالا بردن سطح آموزش نیز در دراز مدت آثار اقتصادی درخور توجهی بر جای گذاشت، بی‌سوادی در کره در سال ۱۹۷۳ تقریباً از میان رفت. کره جنوبی به‌عنوان یک کشور ابر صنعتی به خوبی آموزش دیده است و هم نمونه ویژه و استثنایی در زمینه موفقیت در تدراک آموزش مناسب به حساب می‌آید (فردیناند[۱]، ۱۳۸۷: ۳۳۰).

۲-۱-۳- سیاست جایگزینی واردات

عده زیادی از نام‌آوران عرصه اقتصاد سیاسی مانند: میردال، نارکوس و صاحب‌نظران مکتب وابستگی معتقدند که سیاست جایگزینی واردات، قدم نخست برای کاستن از وابستگی و گام نهادن به وادی توسعه است. از این منظر بستن تعرفه بر واردات، جلوی اشباع شدن بازار داخلی از محصولات خارجی را می‌گیرد و این کار باعث می‌شود که صنایع داخلی بتواند روی پای خود بایستد و به تدریج رشد پیدا کند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت منظور آن است که چون صنایع داخلی توان رقابت با کالای ساخته شده از کشورهای توسعه یافته را ندارند و سرمایه‌های خارجی باعث وابستگی بیشتر کشورهای ضعیف می‌شود و در ضمن نیاز کالاهای ساخته شده روز به روز کم می‌شود. کشورهای توسعه نیافته باید با تمرکز بر روی بازار داخلی به توسعه‌ای درون‌زا دست بزنند. نام-آورترین نظریه‌پرداز مکتب وابستگی یعنی «فرانک» معتقد است که بیشترین میزان رشد اقتصادی کشورهای آمریکایی لاتین، زمانی رخ داده است که کمترین رابط اقتصادی را با کشورهای توسعه یافته داشته‌اند (امجد، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

در کره جنوبی، فرهنگ کنفوسیوس و انضباط سختی که مردم داشتند و عزم جدی دولت، باعث تقویت صنایع نوزاد گشت و آنها را آماده رقابت با صنایع خارجی کرد. موضوعی که برای برنامه‌ریزان

---

۱ Ferdinand

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

اقتصادی کره جنوبی مطرح بود این بود که پس از مرحله نخست جایگزینی واردات که با آن مرحله آسان گفته می‌شود، آمادگی برای مرحله دوم که روی‌آوردن به صنایع حد وسط بود پیدا شود. در مرحله اول بیشتر به صنایع ساده‌تر مانند کنسروسازی، پارچه‌بافی و کفش‌سازی توجه شد. خصلت این صنایع کاربر بودن آن است و پس از موفقیت در این مرحله نوبت به روی آوردن به مرحله دوم است که درآن صنایع حد وسط بخصوص سه صنعت سفید (تصفیه شکر، آرد، سیمان‌سازی) مورد توجه قرار گرفت. این صنایع سرمایه برهستند و ممکن است توسعه صنایع را با مشکل روبرو کند، اما در کره جنوبی این کار با موفقیت انجام شد و زمینه گسترش روزافزون صنایع و روی آوردن به مرحله بعد یعنی صادرات فراهم گشت (امجد، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

۲-۱-۴- سیاست توسعه صادرات همراه مکانیزم‌های تشویق صادرات

بلوغ یک اقتصاد سرمایه‌داری فرا رفتن از مرزهای ملی و ورود آن به بازارهای بین‌المللی است. علت اصلی موفقیت کره کوتاه بودن دوران نوزادی صنعتی و ورود سریع به دوران بلوغ اقتصادی است. پژوهش‌های متعددی که درباره توسعه اقتصادی در کره جنوبی صورت گرفته، اساس آنرا گسترش صادرات می‌دانند. صادرات کره جنوبی در سال ۱۹۶۰ تنها ۲۰میلیون دلار بود، این رقم در سال ۱۹۷۱ به ۱ میلیارد دلار رسید، سهم محصولات صنعتی در کل صادرات از ۲۲٪ به ۸۰٪ رسید. این میزان رشد صنعتی در دنیا بی‌سابقه و نشان دهنده رشد بی‌وقفه و تکثیر انواع محصولات صنعتی است. برای مثال در سال ۱۹۶۰ فقط ۱۰۰ نوع جنس صادر می‌کردند که در سال ۱۹۷۰ به ۱۰۰۰ نوع رسید و این افزایش روزافزون صادرات آن هم به سراسر جهان، باعث رونق یافتن اقتصاد ملی و ایجاد مشاغل جدید، پایین آمدن نرخ بیکاری، به کار گرفتن نیروهای فعال و متخصص کشور شد (امجد، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

۲-۱-۵- توجه به رابطه صحیح بین دولت و بخش خصوصی:

دولتی کارآمد است که سازمان‌های درونی‌اش خوب شکل گرفته، دیوانسالاری نظام‌مند و حمایت از بخش خصوصی را قانون‌مند در کنار هم داشته باشد. در کره جنوبی دخالت در امور اقتصادی به‌صورت ایجاد نوعی وحدت بین دو بخش آزاد و دولتی درآمد. رابطه بین دولت و بخش خصوصی در این کشور از چنان توازنی و تعادلی برخوردار است که بسیاری از پژوهشگران این پدیده را شرکت کره نامیده‌اند (امجد، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۲-۱-۶-سیاست‌های پولی و مالی

برنامه‌ریزان اقتصاد برای توسعه صادرات و همینطور حمایت از تولید صنایع به پرداخت وام بانکی کم بهره به تولیدکنندگان صنعتی مبادرت ورزیده و کار بسیار هوشمندانه‌ای که در این زمینه انجام داده‌اند موضوع واگذاری یارانه به تولیدکننده نه مصرف کننده می‌باشد. در بعضی از کشورها مانند: ایران دولت می‌کوشد با دادن یارانه به مصرف‌کنندگان از آسیب‌پذیری آنها جلوگیری کند. بدون توجه به آنکه این کار فقط تلف کردن بودجه کشور است و کاربرد چندانی ندارد. اما دادن یارانه به صاحبان صنایع، به پایین آمدن قیمت کالاهای صنعتی کمک می‌کند و درنتیجه هم مصرف کننده داخلی می‌تواند کالاها را ارزانتر بخرد و هم بخاطر پایین بودن قیمت نهایی کالاها آنها توان رقابت در بازارهای بین‌المللی را پیدا می‌کنند (مدنی، ۱۳۷۰: ۶۰).

۲-۱-۷- بازاریابی در سطح بین‌المللی

یکی از گام‌های مهمی که کره جنوبی برای توسعه صادرات برداشت، ایجاد دفاتر بازرگانی در کشورهای دیگر بود این دفاتر که با همکاری سفارتخانه‌های کره جنوبی ایجاد شده‌اند، ارزیابی دقیقی از ساختارهای فرهنگی و نیازهای ساکنان کشورهای دیگر انجام می‌دهند و تولیدات خود را براساس آن سازمان می‌دهند. صاحبان صنایع کره منتظر نمی‌مانند که مشتری به سراغ آنها بیاید آنها خود به سراغ مشتریان بین‌المللی می‌روند و شناخت کامل بر روی جوامع کشورهای مقصد و نیاز آنها برقرار می‌کنند (مدنی، ۱۳۷۰: ۶۳).

۲-۱-۸- مدیریت کارآمد در خصوصی‌سازی

انعطاف‌پذیری مدیران کره‌ای، زمینه‌گذار از کنترل دولتی و واگذار کردن اقتصاد به بخش خصوصی را فراهم کرد. مدیران کره‌ای خیلی زود دریافتند که کنترل دولتی اقتصاد تنها می‌تواند به زیان اقتصاد باشد و برای همین خود به نقش نظارتی پرداختند. گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۶۸ درباره صنایع دولتی در زمینه‌هایی مانند: نفت و راه‌آهن در ۲۶ کشور توسعه نیافته نشان می‌دهد که این صنایع سالانه ۱۶ درصد ضرر داشته‌اند. پژوهش دیگری که در صنایع هند و ترکیه انجام شده نشان داده که صنایع فولاد هند که دولتی بوده ضرر داده و صنایع ترکیه در سال فقط ۱ درصد سود کرده‌اند. درحالیکه سودآوری صنایع متعلق به بخش خصوصی ۲۰ درصد بوده است. باتوجه به این مسائل مدیران کره‌ای به جای تکرار اشتباهات گذشته، خصوصی‌سازی را از میان دهه ۶۰ آغاز کردند و با در پیش گرفتن یک برنامه‌ریزی درست توانستند در کمتر از یک دهه اقتصاد خود را شکوفا سازند (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۲۵).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۲-۱-۹- توجه به تجربه دیگر کشورها

از مهم‌ترین آموزه‌های کنفوسیوس می‌توان آموختن و علاقه به نوآوری را نام برد. کره‌ای‌ها از آن به خوبی سود برده و نه‌تنها از تجربیات خود درس می‌گیرند بلکه به تجربیات دیگران نیز ارج می‌نهند. اما مهمتر اینکه آنها با بومی کردن آموزه‌های دیگر کشورها و نیز وارد کردن تکنولوژی از کشورهای آسیای شرقی به ویژه ژاپن به توسعه کشور خود پرداختند. اگرچه آنها خاطرات تلخی را از ژاپنی‌ها در دوران استعمار داشتند اما به درستی دریافتند که باید گذشته را رها کرد و ازتجربه آن‌ها نهایت استفاده را کرد (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

۲-۱-۱۰- جذب سرمایه‌های خارجی

زمینه مساعدی که کارگران و تکنسین‌های کره جنوبی (به خاطر کسب مهارت‌های علمی و فنی در دوره دبیرستان) داشتند و نیز اشتیاق آنان به فراگرفتن باعث شد که کره جنوبی در پایان دهه ۷۰ به سطحی از تکنولوژی دسترسی پیدا کند که بتواند همپای کشورهای توسعه یافته به تولید تکنولوژی بپردازد و این خود مکان امنی همراه با ریسک سرمایه‌گذاری کم برای جذب سرمایه‌های خارجی در صنایع و بازار کره فراهم نمود هرچند میزان سرمایه‌گذاری خارجی در آن تا سال ۱۹۸۲ بسیار ناچیز و کمتر از ۱/۷ میلیارد دلار می‌رسید. سرانجام ترکیب سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش و سخت‌کوشی کارگران و تکنسین‌ها و مدیران کره‌ای و برنامه‌ریزی دقیق دولت در یک بوروکراسی کارآمد همراه باتوجه زیاد بر قشر جوان و آموزش و پرورش مدرن باعث شد که کره جنوبی مرزهای توسعه نیافتگی را پشت سر بگذارد و خود را به‌عنوان یک کشور توسعه یافته تثبیت کند (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۲۹).

نباید از خاطر برد که این توسعه یافتگی در حالی صورت گرفت که کره جنوبی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یکی از عقب افتاده‌ترین کشورهای آسیا به شمار می‌رفت و درجنگ جهانی دوم، این کشور سیستم اقتصادی مستعمراتی داشت که برای اهداف ژاپن طراحی شده بود و درجنگ دو کره نیز، تمام زیر بناهای اقتصادی و صنعتی آن از بین رفت و این کشور کاملاً وابسته به کمک‌های آمریکا شد. اما بعد از آن سریعاً گذشته تلخ را فراموش کرده و توسعه صنعتی خود را برمبنای گسترش تجارت خارجی، عادی‌سازی روابط با ژاپن و استراتژی صادرات پایه‌گذاری کرد و توسعه اقتصادی عمدتاً تحت برنامه‌های دقیق هدایت شده دولتی، رهبری، نظارت و اجرا گردید و این مدیریت کارآمد منجر به رشد اقتصادی کره از صادر کننده کفش و منسوجات به صادر کننده اتومبیل و الکترونیکف کشتی و فولاد و همچنین محصولات با فناوری برتر مانند: موبایل و مانیتورهای الکترونیک تبدیل شد. به‌طوریکه امروز، اقتصاد کرده جنوبی یازدهمین اقتصاد بزرگ جهان و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

سومین اقتصاد بزرگ آسیاست سرمایه‌گذاری در این کشور آسان و مالیات کم و نرخ تورم نیز بسیار پایین است (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۳۲).

۳- بررسی روند توسعه در ایران

شیوه تولید پیش از سرمایه‌داری جوامع، تعیین کننده میزان توسعه یافتگی امروز آنهاست. بررسی اقتصاد سیاسی جوامع بشری نشان می‌دهد که آنهایی که فئودالیزم را تجربه کرده‌اند، آمادگی بیشتری را برای توسعه صنعتی داشته‌اند، اما جوامع‌ای مانند ایران که نظم فئودالی در آنها بوجود نیامده، در زمینه توسعه صنعتی با موانعی جدی روبرو شده‌اند تا پیش از اصلاحات ارضی(۱۳۴۱) در ایران یک صورت‌بندی اجتماعی آسیایی وجود داشت که وجه سیاسی آن استبدادی بود. اقتصاد سیاسی ایران در دوران پیش از سرمایه‌داری دارای مشخصات ذیل بود (امجد، ۱۳۸۴: ۱۷۴):

۱- حوضه اقتدار عمومی و خصوصی از هم جدا نبودند و کنترل هر دو بخش را دولت برعهده داشت. به همین جهت طبقات اجتماعی نتوانستند رشد کنند و به‌صورت زائده دولت باقی ماندند.

۲- قبایل نقش برجسته‌ای در ساختار دولت آن زمان بازی می‌کردند. آن‌ها یا از طریق حملات مکرر به شهرها و روستاها امنیت جامعه را به خطر می‌انداختند، یا از طریق حضور در ارتش امنیت را در جامعه برقرار می‌کردند و یا از طریق تشکیل سلسله‌های حکومت محلی اعلام خودمختاری و استقلال از دولت مرکزی می‌کردند.

۳- نفوذ سرمایه خارجی در ایران از یک طرف زمینه توسعه سرمایه‌داری را در ایران فراهم می‌کرد و از طرف دیگر صنایع سنتی را ویران می‌کرد و مانع تبدیل صاحبان صنایع سنتی به طبقه نوپای بورژوازی مدرن می‌باشد.

۴- به‌خاطر قانون ارث در اسلام، اشرافیت موروثی در ایران وجود نداشت و زمین‌داران نمی‌توانستند در مقام یک طبق مستقل و قوی بر عملکرد و ساختار دولت تأثیر بگذارند.

در ایران قاجاریه، شخصی بودن قدرت، غیررسمی بودن سیاست، جلوگیری از ایجاد نهادها و تشکل‌های مستقل، مسدود بودن مشارکت، فساد دربار و دیوانسالاری گسترده از مختصات ساختار قدرت سیاسی آن زمان بود. در زمان دولت رضاشاه او به مثابه مظهر وحدت قومی، ارزش اضافی را به دلخواه بین نیروهای اجتماعی وابسته به دولت تقسیم می‌کرد. وی مستقیماً توسعه سرمایه‌داری را سامان داد. گسترش روابط سرمایه‌داری در زمان رضاشاه باعث ایجاد طبقات اجتماعی نو شد. بنابراین هم طبقه کارگر و هم بورژوازی، مخلوق دولت بودند. گسترش فعالیت‌های زیرساختی و نظارتی همراه با استبداد باعث خفه شدن بروژوازی مستقل سنتی و مدرن شد (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۷). درآمدهای سرشار از رانت نفتی که هر روز نیز بر میزان آن افزوده می‌گردید اقتصاد کشور را متحول

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

ساخت و کشور با تکیه بر این درآمدها در زمان پهوی دوم و بخصوص بعد از کودتای ۱۳۳۲ بطور جدی با انجام اصلاحات ارضی دولت امینی و ایجاد زیرساخت‌های متعدد صنعتی در راه توسعه قدم برداشت اما روز به روز وابستگی آن به رانت نفتی بیشتر و بیشتر گردید. حال می‌خواهم به این نکته بپردازم که ایران با داشتن این همه ثروت که از رانت نفت و گاز بدست آمده چطور و چگونه نتوانست در راه رسیدن به توسعه پایدار به سر منزل مقصود دست پیدا کند. وابستی به درآمد نفت مشکل اصلی اقتصاد ایران بوده و هست. برای مثال برنامه عمرانی سوم، ۶۲٪ وابسته به درآمد نفت بود. این مقدار در برنامه چهارم به ۶۳٪ و در برنامه پنجم به ۸۰٪ رسید. وابستگی برنامه توسعه کشور به درآمد نفت بسیار زیان‌بار بود. زیرا کل اقتصاد به گروگان نفت تبدیل شده بود و نوسانات بازار تأثیر قطعی بر عملکرد اقتصاد داشت. با آنکه کاهش تقاضای خارجی برای نفت، اقتصاد را در وضع بسیار ناخوشایندی قرار می‌داد، بالا رفتن درآمد نفت الزاماً تأثیر مثبتی در عملکرد اقتصادی نداشت. برای مثال، چهار برابر شدن قیمت نفت بین سال‌های ۱۳۵۲- ۱۳۵۴ و افزایش درآمد ایران از ۳ میلیارد به ۲۰ میلیارد دلار، نتایج مرگباری برای اقتصاد ایران داشت. اقتصاد ایران که برای سرمایه‌گذاری به باران نیاز داشت، با چنان سیلابی روبرو شد که آن را غرق کرد. برنامه‌ریزان که محاسبه افزایش درآمد را نکرده بودند با تجدیدنظر در برنامه عمرانی کشور، بودجه برنامه عمرانی پنجم را افزایش دادند که به‌خاطر نبودن زیرساخت‌ها تنها به هرج و مرج اقتصادی منجر شد. برنامه‌ریزان اقتصادی که از خطر وابستگی کامل به نفت آگاه بودند سعی کردند با تأسیس صنعت پتروشیمی در ایران از این وابستگی بکاهند و با قراردادهایی با آمریکایی‌ها و ژاپنی‌ها به این امر پرداختند. اما رقابت خارجی و هزینه‌های بالای این تولیدات نتوانست از وابستگی به نفت بکاهد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

۳-۱- ضعف مدیریت و نبود استراتژی توسعه

مدیریت دولت، نقشی قطعی در موفقیت افراد و مؤسسات دارد. برخلاف کره جنوبی که تخصیص درست منابع، توجه به اولویت‌ها: بررسی درست امکانات وبرنامه‌ریزی دقیق باعث موفقیت شد، نبودن یک استراتژی درست توسعه در کنار فقدان یک بوروکراسی کارا و مستقل همراه با شایسته-سالاری، برنامه‌ریزی صنعتی را در ایران مشکل کرد. قابلیت انعطاف مدیران اقتصادی کره جنوبی از رئیس جمهور گرفته تا پایین‌ترین رده‌ها باعث می‌شود که آنها برای همه عوامل با دقت برنامه‌ریزی کنند اما درصورت برخورد با مانع جدی از انجام تغییرات در برنامه‌ها روگردان نبودند. برای مثال برنامه‌یزی اقتصادی برون‌گرای کره جنوبی پس از بحران نفت بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ دچار شوک گردید و کره‌ای‌ها بسیاری از مشتریان خارجی خود را از دست دادند. برای حل این مشکل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

برنامه‌ریزان اقتصادی با گرفتن پروژه‌ها/ساختمانی در کشورها/نفت‌خیز عربی مانند: عربستان، کویت، بحرین و ساختن جاده‌ها و بزرگراه‌ها، اقتصاد خود را فعال و حتی سودآور نگاه داشتند (مدنی، ۱۳۷۰: ۷۶).

جالب است که کره توانست بحران و شوک نفتی را به سلامت پشت سر نهد اما در ایران این ضعف دولت و مدیریت باعث شد که افزایش درآمدهای نفتی به جای آنکه شرایط را برای توسعه موفقیت‌آمیز صنعتی و اقتصادی فراهم کند، به فروپاشی اقتصاد و کل نظام انجامید. توجه نکردن به ظرفیت‌های کشور به خصوص در دو مورد باید خوب بررسی شود: نخست توجه نکردن به آموزش و پرورش درست و کارا در راه توسعه. دوم: نبود مدیریت و سیستم بوروکراسی منظم و متخصص، کارآمد و قوی و جدا از مناسبات و رفتارهای رانت‌جویانه (فردیناند، ۱۳۸۷: ۸۷).

همچنان که تشریح نمودیم در دولت‌های توسعه‌گرا بوروکراسی کارآمد و توانایی دولت در جلب مشارکت بخش‌های صنعتی جامعه از ویژگی‌های ممتاز می‌باشد اما این دو امر حلقه مفقود شده در دولت‌های رانتیر می‌باشند یکی از نکات مهم در دولت‌های نفتی همزمان شدن ورود درآمدهای نفتی با تشکیل دولت مدرن با ساختار دولت در اگر کشورها نفتی می‌بشد و به دنبال آن گام برداشتن بدون مطالعه و کارشناسانه در زمینه توسعه باعث شده است که در بسیاری از این دولت‌ها علیرغم وجود تفاوت‌های زیاد در برخی جنبه‌ها شاهد الگوهای مشابه و نتایج مشابه به در امر توسعه در این کشورها باشیم و این وضع تا هنگامی که نفت و درآمدهای آن بخش عمده و پیشرو اقتصاد را تشکیل می‌دهد همچنان ادامه خواهد داشت و از آنجا که در همه دولت‌های رانتیر درآمد نفت ابتدا به دست دولت می‌رسد این وضع سبب تمرکز منابع در دست دولت می‌شود و لذا انگیزه دولت را در جلب مشارکت بخش خصوصی کاهش می‌دهد. دولت ترجیح می‌دهد در برنامه توسعه خود هم مدیریت کند و هم مجری باشد. این امر سبب استقلال دولت از جامعه می‌گردد زیرا رانت صرفاً تحت کنترل نخبگان حاکم می‌باشد و آنها هستند که از قدرت انحصاری در تصمیم‌گیری برای هزینه کردن آن برخوردارند و همین امر سبب جدا شدن بدنه دولت از جامعه می‌شود. دولت‌های توسعه‌گرا همیشه در بدترین شرایط مسیر توسعه را پیموده‌اند تا به سر منزل مقصود رسیده‌اند، اگر ایران اسلامی نیز فعل خواستن در مسیر درست توسعه پایدار را همچون کره جنوبی صرف نماید با داشتن پتانسیل‌های فراوان و استفاده از نیروی متخصص می‌تواند این راه پرفراز و نشیب را به سلامت طی نماید و خود را در جمع کشورهای توسعه یافته قرار دهد (کسالایی و همکاران، ۱۴۰۲).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۴-نتیجه گیری

بطور کلی مقایسه روند توسعه در ایران و کره جنوبی از بسیاری جهات آموزنده و سزاوار تأمل است. درواقع هر دو کشور به‌طور همزمان یعنی از دهه ۱۹۶۰ میلادی روند مدرنیزاسیون و توسعه صنعتی را شروع کردند. هردو دارای رژیم‌های اقتدارگرا در دوران پهلوی و حاکمیت ژنرال پارک چونگ هی بودند. همچنین هر دو کشور در جبهه ائتلاف غرب علیه کمونیست و مورد حمایت آمریکا بودند. رهبران هر دو کشور سعی در ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی در جهت مدرنیزاسیون و توسعه همه‌جانبه بودند. به هر حال علیرغم شباهت‌هایی که دو کشور ایران و کره جنوبی داشتند پیامدهای برنامه‌ریزی توسعه در دو کشور یکسان نبوده، به نحوی که کره جنوبی با موفقیت توانست در جایگاه کشوری صنعتی قرار گیرد اما ایران همچنان کشوری وابسته به درآمدهای نفتی باقی بماند. این در حالی بود که ایران با صادرات عظیم نفت از درآمدهای هنگفتی برای بسترسازی توسعه پایدار برخوردار بود و کره با ژنرال پارک از این گونه درآمدها محروم بود. علت اساسی این امر در یک جمله: به ماهیت و نقش مؤثر و مدیریت دو دولت در امر توسعه بر می‌گردد. در حقیقت دولت ایران را باید ناکام در امر توسعه دانست زیرا در مقایسه با دولت کره جنوبی، دارای توانایی-های مؤثر برای اجرای الگوهای توسعه نبوده است و از عزم جدی نخبگان بر امر توسعه که مسئله مشروعیت بخش دولت توسعه گرا به حساب می‌آید، محروم بوده است. همچنین در غیاب یک بوروکراسی کارآمد و مبتنی‌بر شایسته سالاری و عدم توانایی به جلب مشارکت بخش‌های مهم صنعتی جامعه در امر توسعه صنعتی نتوانست به جایگاه موفقی در توسعه پایدار دست یابد. در عوض سیاست توسعه مبتنی‌بر شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در کره جنوبی حکم‌فرما بوده است. در حالیکه در ایران رابطه سالاری با نهاد قدرت و ثروت از قدیم الایام منسوخ بوده است.

بنابراین در زمینه مقایسه کره جنوبی و ایران می‌توان گفت: که دو دولت یکی با امکانات مالی فراوان و دیگری بدون داشتن منابع زیرزمینی هم زمان برنامه‌ریزی برای توسعه را آغاز کردند. اما یکی توانست الگوی نمونه در امر توسعه یافتگی شود و دیگری در این راه بازماند که باید علت را در برنامه‌ریزی دقیق یک دولت توسعه‌گرا در کره جنوبی، و بی‌نظمی، سردرگمی و توجه نکردن به اولویت‌ها و برنامه‌ریزی اقتصادی از سوی یک دولت را نیز جستجو کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

منابع:

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر قومس، چاپ پنجم.

۲. اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران: انتشارات زمینه، چاپ اول.

۳. امجد، محمد (۱۳۸۴)، بررسی مقایسه‌ای توسعه اقتصادی در ایران و کره جنوبی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.

۵. سونو، هاک رون (۱۳۷۰)، کره جنوبی به کجا می رود، تهران: یادآوران، چاپ اول.

۶. فردیناند، پیتر (۱۳۸۷)، کره جنوبی؛ توسعه نیافتگی و توسعه، تهران: نشر قومس، چاپ اول.

۷. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳)، اقتصاد سیاسی ایران، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.

۸. کسالائی، افشین، موسایی، میثم، محسنی، رضا علی، میرزایی، خلیل، قدیمی، بهرام (۱۴۰۲). مطالعه و بررسی عوامل اقتصادی و توسعه منطقه ای موثربر جذب مازاد سرمایه در مناطق کمتر توسعه یافته کشور. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۲(۴۲)، ۳۵۹-۳۸۶.

۹. لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۴)، سیاست و توسعه در جهان سوم، تهران: ابرار معامر، چاپ اول.

۱۰. لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۵)، دولت‌های توسعه‌گرا، مشهد: نشر مرندیز نی نگار، چاپ اول.

۱۱. مدنی، امیرباقر (۱۳۷۰)، استراتژی‌های توسعه اقتصادی، مقایسه روش‌های توسعه در ایران و کره جنوبی، تهران: شرکت باورداران، چاپ اول.

۱۲. مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران: نشر قومس، چاپ اول.

۱۳. میرترابی، سعید (۱۳۸۵)، مسائل نفت ایران، تهران: نشر قومس، چاپ چهارم.

۱۴. میرترابی، سعید (۱۳۸۷)، نفت، سیاست و دموکراسی، تهران: نشر قومس، چاپ اول.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]